



Studying the Verse of Īlā' as the only Qur'anic Evidence Concerning Women's Sexual Rights in Terms of Time*

Maryam Qoujaei Khameneh¹

Fatemeh Khosrowpanah²

Abstract

The verse of Īlā' (foreswearing) is the only Qur'anic evidence of the wife's sexual rights in terms of time, which limits the woman's sexual rights to once every four months. The present study, using the method of qualitative research and content analysis of interpretive texts, delves into the development of the views of the interpreters from the Revelation era to the present time and response to the concept of the verse of Īlā', its difference with the issue of zihār (incestuous comparisons or calling wife as a mahram relative), the encounter of the legislator with the phenomenon of Īlā', and how the verse of Īlā' is related to the wife's sexual rights, from their perspective. In the interpretative explanation of the verse of Īlā' and proving the lack of denotation of the verse with setting a period of four months for the wife's sexual right, ten issues related to sexual right were obtained, each of which is somehow involved in proving the lack of significance of the verse of Īlā' and from all of them, it can be concluded that Īlā' in itself is not acceptable to the lawgiver, and setting a period of four months is in fact creating a deadline for the husband to take measures

* Received : 2024 Feb 08, Accepted : 2024 May 15

DOI: 10.22081/jqr.2024.68546.3955

1. (Corresponding Author), Graduated from Level 4 of the Islamic Seminary (Comparative Interpretation) – Official Researcher at the Masoumiyeh Islamic Research Center Affiliated with the Research Institute of Sciences and Culture of the Islamic Propaganda Office.
m.ghojaei.kh@gmail.com

2. Level 3 of the Islamic Seminary (for Women), Masoumiyeh Higher Education Institute (for Women) Affiliated with the Islamic Propaganda Office.

za.hasani94@gmail.com

regarding his marital status and choose one of the two ways of recourse (with specified sexual relation) or divorce, so that the wife's sexual right can be fulfilled. It seems that *ilā'*, like the waiting period (*'idda* due to divorce or death), travel, absence, sexual disorders of the husband, etc., is a special condition for which God has set a period of four months, and limiting the wife's sexual right to a specific time in ordinary life conditions is not consistent with the philosophy of maintaining chastity for the spouses in marriage and the husband's responsibility for the wife's sexual need. Based on evidences derived from the Qur'an, narrations, jurisprudential rules, rational-customary support, and the exigencies of the present era, the criterion of a woman's sexual need can be strengthened like that of a man's sexual need.

Keywords: *ilā'*, verses 226 and 227 of Surat al-Baqara, wife's sexual right, man's ill-conduct (*nushūz*).





بررسی آیه ایلاء به مثابه یگانه مستند قرآنی حق جنسی زن در بُعد زمان *

مریم قوجایی خامنه^۱

فاطمه خسروپناه^۲

چکیده:

آیه «ایلاء» یگانه مستند قرآنی حق جنسی زوجه از حیث زمان است که حق جنسی زن را محدود به چهارماه یکبار می‌کند. پژوهش حاضر با روش تحقیق کیفی و تحلیل مضمون متون تفسیری به دنبال سیر تطور دیدگاه مفسران عصر نزول تا عصر حاضر و پاسخ به مفهوم آیه ایلاء، تفاوت آن با مسئله ظهار، مواجهه شارع با پدیده ایلاء و چگونگی ارتباط آیه ایلاء با حق جنسی زوجه، از دیدگاه ایشان است. در تبیین تفسیری آیه ایلاء و اثبات عدم دلالت آیه با مقرر کردن زمان چهار ماه برای حق جنسی زوجه، ده مسئله مرتبط با حق جنسی به دست می‌آید که هر یک به نوعی در اثبات عدم دلالت آیه ایلاء دخیل است. از مجموع آنها می‌توان نتیجه گرفت ایلاء، فی نفسه مورد رضایت شارع نیست و تعیین زمان چهار ماه در حقیقت ایجاد مهلتی برای شوهر است تا نسبت به وضعیت زناشویی خود تدبیری کند و یکی از دو راه رجوع (با رابطه خاص جنسی) و یا طلاق را برگزیند تا حق جنسی زن استیفا گردد. به نظر می‌رسد ایلاء همانند عده (طلاق یا وفات)، مسافرت، غیبت، اختلالات جنسی شوهر و غیره شرایط خاصی است که خداوند زمان چهار ماه را برای آن مقرر نموده است و محدود کردن حق جنسی زن به زمانی خاص در شرایط معمول زندگی، با فلسفه حفظ عفت برای همسران در ازدواج و مسئولیت شوهر در برابر نیاز جنسی زن سازگار نیست. بنا بر مستندات قرآنی، روایی، قواعد فقهی، مؤیدات عقلی - عرفی و اقتضائات عصر حاضر می‌توان معیار نیاز جنسی زن را همچون نیاز جنسی مرد، تقویت کرد.

کلیدواژه‌ها: ایلاء، آیه ۲۲۶ و ۲۲۷ بقره، حق جنسی زوجه، نشوز مرد.



چکیده

حق جنسی زنان از جمله مسائل مورد بحث در حیطه رابطه همسران است که در آیاتی از قرآن از جمله آیه ایلاء (بقره/ ۲۲۶ و ۲۲۷) به آن پرداخته شده است.

آیه یادشده، یگانه مستند قرآنی حق جنسی زوجه از حیث زمان است که با توجه به آن و دیگر ادله، فتوای مشهور حق جنسی زن، چهار ماه یکبار مقرر شده است. این در حالی است که حق جنسی زوج بیشتر به صورت مطلق و بلا منازع بیان می شود، به این معنا که بدون هیچ اختلافی، زن باید امکان بهره گیری جنسی را (در حد متعارف) برای شوهرش بدون هیچ گونه محدودیت زمانی یا مکانی فراهم کند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۴۳۹/۸؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق: ۶۴/۱۴ و ۶۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۱۲/۱۴ و ۱۱۷). البته باید یادآور شد که در اسلام، بر اساس رابطه تلازمی حق و تکلیف (توسلی، ۱۳۷۷: ۷۰-۷۲)، ارضای نیاز جنسی همسر از وظایف مشترک زن و مرد است که مستندات متعددی درباره حق و تکلیف هر دو طرف وجود دارد^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۰۷/۵؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۴۰۵/۳).

هدف این پژوهش قرآنی به دست آوردن دیدگاه مفسران از قرون اولیه تا دوران معاصر نسبت به این آیه و ارتباط آن با «حق جنسی زن» است تا علت مقرر شدن چهار ماه در آیه ایلاء و نفی حق جنسی زن در این بازه چهار ماهه تبیین گردد و از این طریق، بتوان به این پرسش پاسخ داد که آیا می توان چنین گفت که مهلت چهار ماهه تعیین شده در آیه تنها برای شرایط خاص قسم ایلاء است و در زمان عادی اعتبار ندارد؟ به بیان دیگر، آیا مسئله «ایلاء» همچون مواردی مانند عده، غیبت و یا اختلالات جنسی شوهر است که در آنها حق جنسی زن در بُعد زمان دچار تغییراتی می شود؟ با استناد به دیگر آیات قرآن همچون معاشرت به معروف و تساوی در حقوق و تکالیف و غیره، می توان حق جنسی زن را در ارتباط مستقیم با نیاز جنسی او دانست و پذیرفت که محدود کردن آن به زمان خاص، توجیه قرآنی ندارد، بلکه می توان معیار زمان را به معیار دیگری همچون نیاز جنسی زن تغییر داد.

۱. لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا وَ إِن كَانَتْ عَلَى ظَهْرٍ فَتَب. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰۷/۵)؛ قَالَ إِذَا تَرَكَهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ كَانَ أَثَمًا بَعْدَ ذَلِكَ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۰۵/۳).



همچنین پرسش‌های نیز مطرح است مانند اینکه آیا از مؤیدات قرآنی دیگری در اثبات حق جنسی کمتر از چهار ماه می‌توان بهره برد؟ در پاسخ به این سؤالات از تبیین مفسران بهره خواهیم برد.

گفتنی است انجام این‌گونه پژوهش‌ها با توجه به توسعه محرکات جنسی از طریق فضای حقیقی و مجازی و پایین آمدن آستانه صبر جنسی زنان (جوان)، به‌ویژه برای زنان عفیفه و متشرعی که روابط جنسی محدود به خانواده با الگوی تک‌همسری اسلامی دارند، ضروری و پراهمیت است. در واقع از طریق این پژوهش‌های می‌توان احتمال ضرر و یا قرار گرفتن در موضع گناه را برای ایشان منتفی کرد و شرایط را برای برخورداری از حق استمتاع جنسی در طریق همسر شرعی در صورت نیاز، فراهم نمود.

پیشینه تحقیق

با توجه به جستجوی انجام شده در مقالات منتشره، مقاله‌ای که آیه ایلاء را با رویکرد تفسیری و از جهت مستند فقهی حق جنسی زنان بررسی کرده باشد، یافت نشد. هر چند در ابعاد فقهی مسئله حق جنسی زوجه مقالاتی به شرح ذیل وجود دارد:

- «ارائه راه حلی برای تبیین حقوق جنسی بانوان بر اساس رویکردهای حقوقی و اخلاقی»؛

- «چالش‌های فقهی محدود بودن حق استمتاع زن در چهار ماه»؛

- «بازخوانی ادبیات فقهی حاکم بر روابط جنسی زوجین با رویکرد تحقق «سلامت جنسی» در ازدواج»؛

- «حق زن در مطالبه آمیزش جنسی طبق متعارف».

۱. اعتبار اصل حق جنسی برای زن

در مورد اصل پذیرش حق جنسی زن به آیه ایلاء^۱، آیه ظهار^۲، نهی از معلقه قرار گرفتن زن و

۱. «لَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَؤُا فَإِنَّ اللَّهَ عَفْوٌ رَحِيمٌ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

(بقره: ۲۲۶ و ۲۲۷)

۲. «الَّذِينَ يَظَاهَرُونَ مِنكُم مَّا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنْ أُمَّهُانَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُكْرَمًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفْوٌ غَفُورٌ» (مجادله: ۴)



بی تفاوت بودن نسبت به حقوق وی^۱، اشاره شده است. افزون بر آیات یادشده که بر نیاز و حق جنسی بانوان دلالت دارد، آیاتی نیز دلالت غیرصریح به مسئله جنسی دارند. آیاتی با موضوعاتی همچون امر به ازدواج مردان و زنان بی همسر^۲، امر به عفاف (استعفاف) به هر دوی زن و مرد در صورت عدم وجود شرایط لازم برای ازدواج^۳، کارکرد ازدواج در آرامش گرفتن همسران از یکدیگر^۴ و تحفظ از گناه و ناپاکی برای یکدیگر^۵ اهمیت ازدواج و بهره‌مندی جنسی را برای زن و مرد نشان می‌دهند. (طبرسی، ۱۳۷۲ق: ۲۱۹/۷ - مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۶۵۰/۱؛ همان: ۴۵۷/۱۴؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ۱۳۴/۲۳؛ خطیب، ۱۴۲۴ق: ۴۹۷/۱۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۱۷۹/۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ق: ۲۵۲/۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۴/۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۷۰/۵)

روایاتی نیز وجود دارند که در آنها به حق جنسی زنان به اجمال و بدون تفصیل پرداخته شده است؛ مانند روایات ذیل:

الف. از امام علی (علیه السلام) در مورد زنی سؤال شد که ادعا می‌کند شوهرش با او رابطه جنسی ندارد و در مقابل، شوهرش خلاف آن را ادعا می‌کند. حضرت فرمود: آن مرد قسم داده می‌شود و سپس رها می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۵۴۷/۱۵ - طوسی، ۱۴۰۷ق: ۸/۸) که بر رسیدگی قضایی به دادخواست زن درباره محرومیت جنسی وی به دلیل ناتوانی یا خودداری شوهر دلالت دارد و نشانه پذیرش حق جنسی اوست.

ب. روایتی از امام صادق (علیه السلام) درباره مردی که یک سال از بستر همسر خود دوری

۱. «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوا هَآكَامُ مَعْلَقَةٍ وَإِنْ نُصَلِّحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء: ۲۹)

۲. «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲)

۳. «وَلْيَسْتَغْفِرِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۳)

۴. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)

۵. «...هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...» (نقره: ۸۷)



کرده است که می‌فرماید: بر او واجب است با همسر خود ارتباط جنسی داشته باشد.^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۳۰/۶).

ج. روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: مردی که با تعدادی زن ازدواج کند، اما با آنها رابطه جنسی نداشته باشد و یکی از آنها زنا کند، پس گناه زنا بر آن مرد خواهد بود^۲ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۹۹/۱۴). بر اساس این روایت، مسئولیت انحراف جنسی زن شوهردار که ناشی از عدم ارضای جنسی وی در خانواده باشد، بر عهده شوهر است.

دلیل فقهی - حقوقی نیز بر اثبات اصل حق جنسی برای زن وجود دارد. با این توضیح که در صورت اختلالات جنسی مرد، زن به جهت عدم برخورداری از حق عمل جنسی، امکان فسخ عقد ازدواج را دارد. (نجفی، بی تا: ۳۲۶/۳۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۳۴۶/۲۴).

۲. فتوای مشهور در مورد حق جنسی زن از حیث زمان

مطابق نظر مشهور فقهای امامیه، زن بیش از واقعه هر چهار ماه یکبار، حقی بر گردن زوج ندارد. (طوسی، ۱۴۰۰ق: ۴۸۲ - ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶ق: ۲۳۳/۲؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق: ۶۰۶/۲؛ حلی، ۱۴۰۸ق: ۲۱۴/۲) در واقع ترک رابطه جنسی با زوجه در مدت کمتر از چهار ماه، به طور مطلق مجاز است.

ادله این فتوا همچون بسیاری دیگر از فتاوا مبتنی بر آیات قرآنی (آیه ایلاء) و روایات^۳

۱. سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَهْجُرُ امْرَأَتَهُ مِنْ غَيْرِ طَلَاقٍ وَلَا يَمِينٍ سَنَةً لَمْ يَقْرَبْ فِرَاشَهَا قَالَ لِيَأْتِ أَهْلَهُ.

۲. مَنْ جَمَعَ مِنَ النِّسَاءِ مَا لَا يَنْكِحُ فَرْزًا مِنْهُنَّ شَيْءٌ، قَالَ لَيْتُمْ عَلَيْهِ.

۳. دلیل روایی فتوای یادشده مفهوم‌گیری از روایت صفوان بن یحیی از امام رضا علیه السلام است که راجع به مردی پرسیده شده که همسر جوانی دارد و شوهر واقعه با او را چند ماه یا یک سال ترک می‌کند، نه به این دلیل که به وی ضرر برساند و مورد آزار قرار دهد؛ بلکه به خاطر اینکه مرد، مصیبت دیده است؛ آیا مرد مرتکب معصیت شده است؟ امام ۷ در پاسخ صفوان فرمود: اگر بیش از چهار ماه واقعه با او را ترک کند، معصیت کرده است، مگر اینکه با اجازه همسرش باشد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۴۱/۲۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۴۱۹/۷). با وجود استناد همه فقیهان به روایت صفوان، برخی از فقیهان به دلالت روایت اشکال کرده‌اند. مثلاً آیت‌الله شبیری زنجانی معتقد است که این روایت حداکثر زمان مجاز ترک رابطه جنسی را برای شوهری که چنین عذری دارد، بیان می‌کند، بنابراین جواز یادشده کسی را که عذر ندارد و می‌خواهد به زن ضرر برساند، دربرنمی‌گیرد. به بیان دیگر این روایت به جز مصداق مرد مصیبت‌زده، مفهوم ندارد؛ چون موضوع آن در مورد شخص مصیبت‌زده‌ای است که قصد اضرار به زن هم نداشته است، ولی به دلیل مشکل (مصیبت‌دیدگی) حضرت می‌فرمایند این شخص حداکثر تأخیری که می‌تواند در مباشرت بپردازد، چهار ماه است. اما نمی‌توان از این استفاده کردشود که همه افراد می‌توانند تا چهار ماه به زن



است. روایات متعددی در رابطه با ایلاء ذیل آیه مطرح شده است (قمی، ۱۳۶۸ق: ۷۴/۱) که نشان‌دهنده برخورد قضایی حاکم با مسئله ایلاء است و غایت صبر زن، چهار ماه دانسته شده است. (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۲۱۹/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴۶۸/۱). با توجه به رویکرد تفسیری نوشتار، ورود به بُعد فقهی مسئله، الزامی ندارد و در دیگر مقالات و کتب می‌توان به آن پرداخت.

۳. تبیین رابطه آیه ایلاء (به‌مثابه مستند قرآنی) با حق جنسی بانوان

در دو آیه ۲۲۶ و ۲۲۷ بقره که آیه «ایلاء» نامیده می‌شود، در توضیح مسئله چنین آمده است:

«الَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَؤُفَ فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ «کسانی که زنان خود را «ایلاء» می‌کنند [سوگند یاد می‌کنند که با آنها، آمیزش جنسی نکنند]، حق دارند چهار ماه انتظار بکشند. (و در ضمن این چهار ماه، وضع خود را با همسر خویش، از نظر ادامه زندگی یا طلاق روشن سازند). اگر (در این فرصت) بازگشت کنند، (چیزی بر آنها نیست؛ زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است و اگر تصمیم به جدایی گرفتند، (آن هم با شرایطش، مانعی ندارد) خداوند شنوا و داناست. (بقره: ۲۲۶ و ۲۲۷)

با تحقیق در ۲۱۰ عنوان تفسیر^۱ از قرن دوم تا قرن معاصر، آنچه که مرتبط با حق جنسی زن است و می‌تواند به یافتن پاسخ برای پرسش‌های این پژوهش از آن بهره برد، در چند محور ارائه خواهد شد. پیش از ورود به بحث لازم است توضیح داده شود که چگونگی پرداختن مفسران به آیه یادشده متفاوت است. در برخی تفاسیر هیچ مطلبی ذیل آیه دیده نمی‌شود و در برخی تفاسیر تنها به بحث لغوی و یا ادبی پرداخته شده است و در برخی دیگر تنها روایات مرتبط بیان شده‌اند. اما از سوی دیگر، برخی از تفاسیر به مباحث فقهی «ایلاء» و به‌طور خاص تصریح به حق چهار ماهه زن در حق جنسی تصریح کرده‌اند و برخی با مؤیدات قرآنی و یا عقلی-عرفی به نقد این مسئله پرداخته‌اند که در ادامه بحث به

ضرر بزنند و تأخیر بیندازند و از ادله ضرر هم استفاده می‌شود که جایز نیست» (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ق: ۱۴۸۳۴۵).

۱. تمام تفاسیر موجود در نرم افزار جامع التفاسیر» مورد بررسی قرار گرفته است.

تفصیل به آنها پرداخته خواهد شد.

۳-۱. ایلاء در عصر نزول و فرهنگ جاهلی و تفاوت آن باظهار

در تفاسیر به طلاق بودن ایلاء در جاهلیت اشاره شده است. (الطبرانی، ۲۰۰۸: ۳۹۸/۱؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۴۵/۲؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲۹۷/۶؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۴۲۹/۶؛ جرجانی حسینی، ۱۴۰۴: ۵۰۵/۲؛ ثلاثی، ۱۴۲۳: ۵۲۳/۱؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵: ۱۶۸/۱؛ حقی بروسوی، بی تا: ۳۵۳-۳۵۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق: ۱۴۲/۲). در تفسیر جامع البیان ایلاء نوعی طلاق شمرده شده است (طبری، ۱۴۱۲ق: ۲۵۹/۲) و تفسیر دیگری ایلاء را ترک جماعی که به مرور موجب طلاق می شود، معرفی می کند. (جصاص، ۱۴۰۵ق: ۴۴/۲) به نظر می رسد که به خاطر همین مسئله است که برخی مفسران طلاق بعد از ایلاء را طلاق بائن دانسته اند. (طبرانی، ۲۰۰۸: ۳۹۸/۱؛ دینوری، ۱۴۲۴ق: ۷۴/۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲/۱۶۸؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲۹۷/۱) البته اشاراتی هم در تفاسیر مبنی بر اینکه ایلاء نیز به نوعی طلاق است، اشاره شده است: بعد از پایان یافتن زمان و عدم رجوع مرد، زن مطلقه شمرده می شود؛ هرچند برای مرد هم حق رجوع وجود دارد (صنعانی، ۱۴۱۱ق: ۱۰۵/۱) البته با توجه به عبارت «وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ...» که متضمن معنای معتبر دانستن قصد مرد است، احتمال بائن بودن طلاق و جدایی بدون طلاق بعد از تمام شدن ایلاء، ضعیف خواهد شد. البته موافقان طلاق بائن معتقد هستند چون ایلاء در جاهلیت نوعی طلاق بوده است، بعد از اسلام فقط محدود به زمان شده است، بنابراین بعد از انقضاء چهار ماه، طلاق جاری می شود. (ابن عربی، ۱۴۰۸ق: ۱۷۸/۱)

آشنایی اذهان مردم با ایلاء و آثارش، سبب تبدیل آن به حقیقت شرعی در موضوع خاص قسم بر ترک مباشرت شده است. به بیان دیگر، ایلاء به حقیقت شرعی در این موضوع خاص تبدیل شده است. (جرجانی حسینی، ۱۴۰۴: ۵۰۵/۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق: ۶۲۰/۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۲۲۶/۲؛ امین، ۱۳۶۱ق: ۳۱۷/۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۳۶۶/۲ و ۳۶۷؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ق: ۳۶۸/۲)

در تشابه و تفاوت «ظهار» با «ایلاء» می توان گفتظهار همانند ایلاء در جاهلیت نوعی طلاق به شمار می آمد که مرد با تشبیه همسر خود به مادرش او را بر خود حرام می کرد.





(طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۳۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۳/۴۱۰) اما تفاوت‌هایی باظهار دارد از جمله اینکه اسلام سنت «ظهار» را به‌طور کلی بغو کرد، اما «ایلاء» را به‌زمان چهارماه محدود کرد. درظهار از عبارت «انت علی کظهر امی» (و یا شبیه این عبارت) استفاده می‌شود، اما در ایلاء به اسامی خدا قسم خورده می‌شود و در واقع «قسم» در ایلاء، موضوعیت دارد.

۳-۲ مواجهه قرآن با پدیده ایلاء

خداوند اصل ایلاء را که نوعی طلاق در جاهلیت به شمار می‌آمد و در واقع محروم کردن زن از حق جنسی به‌واسطه قسم با قصد اضرار به زن از جانب شوهر است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ۱۳/۴) حذف نمی‌کند، اما برای آن حد معقولی (چهار ماه) قرار می‌دهد تا پس از به پایان رسیدن این زمان با رجوع مرد و یا طلاق دادن، زن تعیین تکلیف شود و (توجهی، ۱۳۸۹: ۲۳۸-۲۴۵) و حق جنسی زن استیفا گردد. این در حالی است که در جاهلیت زن در حالت تعلیق و بلا تکلیفی قرار می‌گرفت و کاملاً از حقوق زناشویی و جنسی خود محروم می‌شد. در حقیقت با این نوع برخورد شارع با سنت ایلاء، حکم شرعی ایلاء در زمره احکام امضایی^۱ قرار گرفت.

۴. هدف و حکمت نزول آیه و پذیرش محدود ایلاء از سوی شارع

در مطالعه و تحقیق ذیل آیه پرسشی بنیادی مطرح می‌شود و آن اینکه هدف آیه، تعیین فاصله زمانی حق استمتاع جنسی زن از همسر خود است و آیه می‌تواند مستند حق جنسی زن به صورت مطلق قرار بگیرد یا اساساً آیه ناظر به موضوع دیگری است و هدف آن پیشگیری و جلوگیری از برخی رفتارهای آسیب‌زای مردان در مقابل حقوق جنسی همسرانشان است تا نسبت به برخی بهانه‌ها از جمله دلایل مختلف اجتماعی، فرهنگی، روانی، بیماری‌های جسمانی و ... همسران خود را تحت فشار نیاز جنسی قرار ندهند.

۵. مستندات تفسیری عدم دلالت آیه «ایلاء» بر مقرر شدن زمان چهار ماه برای حق استمتاع

۱. آن دسته از قواعد و مقرراتی که پس از اسلام، شارع (هرچند با سکون و نهی نکردن، خواه به‌طور کامل یا با اصلاحات جزئی یا کلی) تأیید و امضا کرده است، احکام و ادله امضایی نامیده می‌شود که در مقابل آن احکام و ادله تأسیسی وجود دارد. (موسوی خویی، ۱۴۱۶: ۱/۱۴۷؛ کاظمی خراسانی، ۱۴۱۷: ۴/۳۸۸؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۱/۶۶۴)

جنسی زن

با توجه به مطالعه و تحقیق انجام شده نظر دوم مقبول نگارنده است که در ادامه مستندات و مؤیدات قرآنی آن از دیدگاه مفسرین ارائه خواهد شد:

۱-۵. جایز نبودن عدم ایفاء حقوق جنسی زن توسط شوهر در شرایط عادی

در بسیاری از تفاسیر ذیل آیه به یک اصل کلی اشاره شده است به این مضمون که برای مرد حلال و جایز نیست که از زنش دوری کند و از ایفاء حقوق جنسی وی سر باز زند، مگر این که عذری وجود داشته باشد؛ مانند اینکه زن، ناشزه باشد (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۴۱۱/۲)، بنابراین در غیر از موارد خاص، اجازه دوری برای مرد وجود ندارد. به تعبیر دیگر، ایلاء، شرایط خاص است که مرد اجازه دوری از همسر را دارد.

در تفسیر روح البیان چنین آمده است که خداوند حقی از بندگانش را ضایع نمی کند و چون زن، اسیر دست مرد است، قرار نیست که حقی از وی ضایع شود، پس خداوند بر مراعات حال زن و احقاق حق وی اصرار دارد (حقی بروسوی: ۳۵۲/۱). در تفاسیر دیگر نیز تصریح شده است که قسم خوردن بر ترک حق جنسی زن چیزی است که خداوند به آن رضایت ندارد و مخالف اصلاح و تقوای الهی است، چون دوستی و رحمتی که میان زوجین وجود دارد، از بین می رود و در روابط زناشویی مفسده ایجاد می کند و حقوق زن از بین می رود. خداوند با روش های مختلف به حمایت از زن پرداخته و مانع ضرر به او شده است (دروژه، ۱۳۸۳ق: ۴۰۱/۶؛ مراغی، بی تا: ۱۶۲/۲)؛ زیرا در دوری مرد از همسر خود، انواع اذیت های جسمی و روحی برای زن رخ می دهد و از بالاترین مصادیق ضرر رساندن و آزار شدید است. (ابوزهره، بی تا: ۷۵۰/۲). این موضوع، کرامت زن را از بین می برد و زندگی زناشویی به تعطیلی کشیده می شود و هنگامی که این دوری، طولانی می شود، بنیان خانواده از بین می رود و ممکن است زن به رابطه نامشروع کشیده شود. همچنین باید به این نکته توجه کرد که طبایع در امر جنسی مختلف است. (شاذلی، ۱۴۲۵ق: ۲۴۴/۱)

مفسر دیگری با اشاره به قسم، معتقد است قسم خوردن به این صورت که از بین رفتن حقوق زن را در پی داشته باشد، مسئله ای است که خدا به آن راضی نیست، چون ضرر برای زوجه را به دنبال دارد (حجازی، ۱۴۱۳ق: ۱/۱۴۲).





علامه فضل‌الله از مفسرین معاصر نیز بر این باور است که خداوند راضی نیست زن در حالت اسیری در دست مرد قرار بگیرد و چارچوب ازدواج و اختیارات شوهر، برای او آزار و اذیت جسمی و روحی به دنبال داشته باشد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۴/۲۷۵)

۵-۲ اعتبار اضرار در ایلاء

در مورد اعتبار اضرار در ایلاء و یا عدم اعتبار آن در تفاسیر متعددی بحث شده است. در واقع، در مورد قصد اضرار در قسم ایلاء توسط شوهر، اختلاف نظر وجود دارد. بسیاری از مفسران به معتبر بودن قصد اضرار (همراه با حالت غضب) در ایلاء تصریح کرده‌اند. (صنعانی، ۱۴۱۱ق: ۱/۱۰۵؛ طوسی، بی‌تا: ۲/۲۳۱؛ راوندی، ۱۴۰۵ق: ۲/۲۰۳؛ رازی، ۱۴۰۸ق: ۳/۲۵۴؛ کاشانی، بی‌تا: ۲/۱۰؛ جرجانی حسینی، ۱۴۰۴: ۲/۵۰۵؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ۲/۴۴۵؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق: ۱/۶۲۰؛ ابن‌هائم، ۱۴۲۳ق: ۱/۱۰۸؛ خطیب، ۱۴۲۵ق: ۱/۱۶۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۱/۲۵۵؛ لاهیجی، ۱۳۷۳ش: ۱/۲۱۲؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۱/۳۵۲-کازمی، ۱۳۶۵ش: ۴/۱۰۷؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲/۳۶۶؛ مراغی، بی‌تا: ۲/۱۶۲؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ق: ۲/۳۶۸؛ حائری‌تهرانی، ۱۳۷۷ش: ۲/۶۸؛ ابوزهره، بی‌تا: ۲/۷۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۲/۲۲۶؛ امین، ۱۳۶۱: ۲/۳۱۷؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۳/۳۹۷؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۴/۲۷۵؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق: ۱/۴۱؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۱/۴۱۹؛ طیب ۱۳۷۸: ۲/۴۵۲؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش: ۱۲۴؛ بلاغی، ۱۳۸۶ق: ۱/۱۷۴؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶ق: ۴/۱۳، حجازی، ۱۴۱۳ق: ۱/۳۳۴) با توجه به کثرت اعتبار اضرار در ایلاء و هم‌چنین با توجه به اشاره به بخشش و رحمت خداوند در صورت رجوع به زن در پایان آیه «فَاَوْفَاَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، عدم رضایت شارع نسبت به فعل ایلاء و دوری گزیدن شوهر از زن تقویت می‌شود. یعنی خداوند به جدایی بین زن و شوهر به هر دلیلی از جمله قسم رضایت ندارد؛ زیرا رابطه جنسی، حقی است که از زن سلب شده است و مرد حق گرفتن این حق را از زن ندارد؛ چرا که خداوند دستور «امساک به معروف» و «تسریع به احسان» داده است تا به زن ضرری وارد نشود. (جصاص، ۱۴۰۵ق: ۲/۴۵)

ابن عربی نیز در مورد قصد «اضرار» مرد، بر این باور است که در قسم خوردن مرد (با دلیل موجه و یا بدون دلیل موجه)، محرومیت زن از رابطه جنسی، اضرائی است که خداوند



برای آن مدت چهار ماه را مقرر کرده است (ابن عربی، بی تا: ۱/۱۸۱). قرآن قسم ایلاء را بدون تخصیص و به صورت عام بیان کرده است و تخصیص آیه بدون دلیل جایز نیست. به بیان دیگر، معتبر دانستن اضرار، خلاف اصل است و مفهوم آیه قصد اضرار به زوجه و اسقاط حق وی از رابطه جنسی است. (ابن عربی، همان: ۱/۱۷۸) اگر بعد از این مدت، مرد رجوع نکرد (و دفع ضرر نکرد) شرع با طلاق ورود پیدا می کند هم چنان که در هر حکمی که به ضرر زن است؛ مانند اختلالات جنسی (جب، عنن و غیره) این اتفاق می افتد. (ابن عربی، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۸۱)

۳-۵. استفاده از دیگر مؤیدات قرآنی در اثبات حق جنسی زوجه

عده ای از مفسران ذیل آیه ایلاء، بر اساس دیگر آیات قرآن مانند دستور «معاشرت و امساک به معروف» و «تسریح به احسان»، رابطه جنسی را حق زن دانسته اند که در فرایند ایلاء از وی سلب شده است؛ در حالی که مرد نمی تواند زن خود را از آن محروم کند (جصاص، ۱۴۰۵: ۲/۴۵؛ بلاغی، ۱۳۸۶: ۱/۲۰۲). در تفسیر دیگری به دلیل مخالفت با تعبیر «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۹) ایلاء، مانعی واقعی برای نیکی، تقوا و اصلاح دانسته شده است؛ زیرا معاشرت به معروف با زنان از مصادیق نیکی است که خداوند به آن امر کرده است و امثال از این امر از مصادیق تقواست و دوام حسن معاشرت، دوام اصلاح است و با نبود حسن معاشرت، اختلاف ایجاد خواهد شد که منافی تقواست. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۲/۳۶۶ و ۳۶۷)

علامه فضل الله فقها امامیه را به عبارت «...وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَّهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» (بقره: ۲۲۸) بی توجه می داند و اعتقاد دارد حق زن در امر جنسی، همانند حق مرد است به این معنا که معیار، باید نیاز باشد و در شرع پاسخ گویی به نیاز هر دو (زن و مرد) مطرح است. باید به این نکته دقت نمود که زن تنها یک مسیر برای پاسخ گویی به نیاز خود دارد، اما مرد از مواردی هم چون تعدد زوجات و ازدواج موقت نیز برخوردار است. بر اساس نظر مشهور، حق زن از رابطه جنسی تنها سه مرتبه در سال خواهد بود و حال آنکه روایاتی



وجود دارد که از عدم ایفاء حقوق جنسی زنان توسط شوهران‌شان نهی می‌کند.^۱
(فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۲۷۷/۴)

۴-۵. تفسیر عبارت «فاؤ»، به رابطه خاص جنسی

در بسیاری از تفاسیر عبارت «فاؤ»، به رابطه خاص جنسی تعبیر شده است، نه صحبت کردن و نشان دادن اشتیاق به بازگشت همسر و این از مهم بودن حق جنسی زن نشان دارد. یعنی با تحقق رابطه خاص جنسی، ایلاء برطرف می‌شود، نه روابط عام زناشویی، البته اگر قادر به نزدیکی نبود با اعلام برگشت به زن و قصد رجوع به او. (واحدی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۹/۱؛ جرجانی حسینی، ۱۴۰۴: ۵۰۵/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۷۱/۲)

۵-۵. اشاره به موارد شبیه به ایلاء

در برخی از تفاسیر به خاص بودن ایلاء اشاره شده است و ایلاء مانند مواردی همچون عده طلاق و عده وفات دانسته شده است که مانعی در بهره‌مندی زن از حق جنسی وجود دارد. این موارد، محدوده زمانی مشخصی دارند که تجاوز از آن جایز نیست. (جرجانی، ۱۴۳۰: ۳۲۳/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۰۵/۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲۱۰/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۴۶۸/۱) چهار ماه مقرر در ایلاء، بلندترین مدت ممکن برای ترک حق جنسی زن است که منطبق بر عده وفات است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۷/۴). این شباهت، خاص بودن ایلاء را می‌رساند که حق جنسی زن بر خلاف شرایط عادی منتفی است.

۶-۵ اشاره به فلسفه مقرر شدن چهارماه

مهلت تعیین شده در آیه (چهارماه)، در واقع بیانگر توسعه و تخییر برای مرد است که در عین حال، صبر کردن بر وی واجب نیست و کسی که قسم خورده است باید قبل از چهار ماه بازگردد. معنای لغوی هم بر این مفهوم دلالت دارد؛ زیرا «تربص»، به معنای انتظار فرارسیدن امری برای فرد غیرمنتظر است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۳۶۶/۲). در تعدادی از تفاسیر، عللی بیان شده است: جلوگیری از اضرار به زن، تسکین یافتن خشم و ایجاد فرصتی برای تفکر و تدبیر مرد (مصلحت‌سنجی) تا اگر اشتباه کرده و عجلانه تصمیمی گرفته است، به مسیر صلاح بازگردد. در واقع این فرصتی برای توبه و بازگشت تدریجی مرد از

۱. من جمع من النساء ما لا ینکح، فزنی منهن شیء، فالإثم علیه (کافی: ۵/ ۵۶۶، روایت ۴۲).



قسم همراه با غضب و به قصد اضرار است تا علاقه خود به زندگی زناشویی را بررسی کند. براین اساس، این حد را معقول برشمرده‌اند (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۲ق: ۳۰۲/۱؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ۷۴/۱؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق: ۶۲۰/۱؛ شیخ‌زاده، ۱۴۱۹ق: ۵۴۴/۲؛ خفاجی، ۱۴۱۷ق: ۵۲۹/۲؛ حقی برسوی، بی‌تا: ۳۵۲/۱؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ۳۶۶/۲؛ مراغی، بی‌تا: ۱۶۲/۲؛ شاذلی، ۱۴۲۵ق: ۲۴۴/۱؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۵۰۴/۱؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۹: ۳۹۹/۳؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۴۳۶/۱؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۷۵/۴) تا بدین وسیله از زن، رفع ضرر و مشقت و حرج شود (ابن‌عرفه، ۲۰۰۸م: ۲۷۳/۱) و به غیرشوهر خود متمایل نگردد. اگر زمان آن بیشتر شود، به زن و خود مرد ضرر وارد می‌شود. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۳۹۷/۲-۳۹۹)

۵-۷ تعبیر بخشش دال بر فعل خطا

عبارت «... فَإِنْ فَاؤُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» در انتهای آیه به اقتضای گناه آمده است و بر این مطلب دلالت دارد که مردی که با قصد اضرار و با قسم، حقی را از زن خود ضایع می‌کند، فعلی خطا مرتکب شده است که مستحق مجازات است، اما اگر بازگردد و (از امتناع از ایفاء حق جنسی همسر خود و قسمی که با غضب به قصد اضرار منعقد کرده است) توبه کند، خدا با غفران خویش او را خواهد بخشید. البته برخی از مفسران هم با قید برای کسی که قصد اضرار داشته است به توضیح عبارت پرداخته‌اند و به تعبیری ایلاء را بر دو قسم به قصد اضرار و یا عدم قصد اضرار فرض کرده‌اند (بغوی، ۱۴۲۰: ۱۴۱/۲؛ ابن‌عربی، ۱۴۰۸: ۱/۱۸۲؛ طبری، ۱۴۰۵: ۱۴۸/۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۴۲۹/۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱۰/۳؛ ابن‌جزی، ۱۴۱۶: ۱۲۲/۱؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۶۲۰/۱؛ سیواسی، ۱۴۲۷ق: ۲۷۱/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۱۱/۱؛ حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۵۰۷/۲؛ خطیب، ۱۴۲۵: ۱۶۸/۱؛ کاظمی، ۱۳۶۵: ۱۰۷/۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۳۹/۲؛ حقی برسوی، بی‌تا: ۳۵۲/۱؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۸۶/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۵۲۳/۱؛ ابن‌عجیه، ۱۴۱۹: ۲۵۵/۱؛ آل‌سعدی عبدالرحمن ناصر، ۱۴۰۸: ۱۱۱۰/۱) در حقیقت ایلاء، فعلی حرام و مخالف با حکم خداست (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۳۶۶/۲؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۳۹۷/۳؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۲۰۹/۱؛ سبزواری، ۱۴۰۶: ۲۷۵/۱-۲۷۵؛ قرشی، ۱۳۷: ۴۱۹/۱). در بعضی تفاسیر،



بازگشت و رجوع مرد در حکم توبه دانسته شده است که خداوند به واسطه آن، گناه قبلی را می‌بخشد (جزایری، ۱۳۸۸ش: ۱/ ۲۱۲) در حقیقت این عبارت بر عدم جواز ایلاء دلالت دارد و مغفرت به سبب ایلاء باز می‌گردد؛ زیرا ایلاء بر اساس غضب به قصد اضرار شکل می‌گیرد که غیر جایز است. (ابن عرفه، ۲۰۰۸: ۲۷۳/۱)

۵-۸. فضای خاص آیه (قسم غیر مطلوب نزد شارع)

از مهم‌ترین نکات قابل بررسی در آیه، فضای خاص آیه است که در مورد قسم خوردن با اغراض لغو و غیر مطلوب نزد شارع است.^۱ در آیه قبل به طور کلی دستور به دوری از قسم‌های لغو مطرح شده است و مقدمه‌ای برای مسئله ایلاء است و به تعبیری، آیه ایلاء در سیاق نهی از قسم‌هایی است که میان انسان و کارهای نیک، فاصله می‌اندازد. در آیه مورد بحث، قسم درباره ترک رابطه جنسی با زن است که خداوند حکم آن را به طور کلی لغو نکرده است، اما آن را به چهار ماه محدود کرده است. یعنی خداوند حرمت قسم را ننگه داشته است، اما به اصل آن هم راضی نیست و انسان مؤمن را از قسم خوردن بر ترک رابطه جنسی که بر اساس اذیت و ضرر زدن است، نهی کرده است؛ زیرا زندگی زناشویی باید بر اساس مودت و رحمت قوام یابد و اگر قصد تأذیب و یا اصلاح وضعیت دارد، همین چهار ماه بسنده می‌کند. (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ق: ۱/ ۲۷۵؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱/ ۵۰۴)

در تفسیر مهر چنین آمده است که اسلام، حکم ایلاء را به طور کلی ابطال کرده است؛ زیرا نوعی سوگند است و باید حرمت آن رعایت شود، اما در حقیقت آثار آن را از بین برده است، چون اجازه نداده که ایلاء، آثار طلاق کامل را داشته باشد و کسی با قسم بر ترک آمیزش جنسی از همسر خود جدا شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش: ۲/ ۲۰۴). در حقیقت چهار ماه برای کسی مقرر شده است که قسم خورده است و برای کس دیگر، چنین مجوزی وجود ندارد؛ زیرا زندگی زناشویی جایی برای اذیت و آزار نیست، به‌ویژه آزار جنسی چرا که زن جز شوهر خود از طریق دیگری نمی‌تواند به رفع این نیاز پردازد

۱. «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ فَلَوْ كَسَبْتُمْ اللَّهَ غُفُورٌ حَلِيمٌ» (بقره: ۲۲۴ و ۲۲۵)

علامه فضل‌الله، ایلاء را یک نمونه تطبیقی بر آیه قبل می‌داند. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۴/۲۷۵) و در بررسی حکم فقهی مسئله می‌نویسد: «چنین به نظر می‌رسد که چهار ماه، حداکثر زمانی است که مرد در مواقع اضطراری می‌تواند از ایفاء حق جنسی زن سر باز زند و این مدت را برای شرایط عادی نمی‌توان پذیرفت (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۴/۲۷۷). قابل توجه است که آیت‌الله شبیری در توضیح ایلاء معتقد است شارع ملاحظه احترام قسم را کرده است که قسم، کالعدم نشود. (شبیری زنجان، ۱۴۱۹ق: ۵/۱۴۸۳)

۵-۹. بررسی روایت تفسیری باب ایلاء

در ذیل آیه ایلاء روایتی تفسیری آمده است که به گونه‌ای دلیل مقرر شدن چهارماه برای ایلاء آمده است و در فرایند استنباط حکم شرعی از آن استفاده شده است: «عَلِيَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ كَيْفَ صَارَتْ عِدَّةُ الْمُطَلَّقةِ ثَلَاثَ حَيْضٍ أَوْ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ صَارَتْ عِدَّةُ الْمَتَوِّقِ عَنْهَا زَوْجَهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا فَقَالَ أَمَّا عِدَّةُ الْمُطَلَّقةِ ثَلَاثَةٌ فَرُوءَ فَلَا سِتْرَاءَ الرَّحِمِ مِنَ الْوَلَدِ وَ أَمَّا عِدَّةُ الْمَتَوِّقِ عَنْهَا زَوْجَهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ شَرَطَ لِلنِّسَاءِ شَرْطًا وَ شَرَطَ عَلَيْهِنَّ شَرْطًا فَلَمْ يَحْأَ بِهِنَّ فِيمَا شَرَطَ لَهُنَّ وَ لَمْ يَجْرَ فِيمَا اشْتَرَطَ عَلَيْهِنَّ شَرَطَ لَهُنَّ فِي الْإِيلَاءِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ إِذْ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَلَمْ يَجُوزْ لِأَحَدٍ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فِي الْإِيلَاءِ لَعَلَّكُمْ تَبَارَكُ وَ تَعَالَى أَنَّهُ غَايَةُ صَبْرِ الْمَرْأَةِ مِنَ الرَّجُلِ وَ أَمَّا مَا شَرَطَ عَلَيْهِنَّ فَإِنَّهُ أَمْرٌ أَنْ تَعْتَدَ إِذَا مَاتَ عَنْهَا زَوْجُهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا فَاحْذَرِي مِنْهَا لَهُ عِنْدَ مَوْتِهِ مَا أَخَذَ لَهَا مِنْهُ فِي حَيَاتِهِ عِنْدَ إِيلَائِهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى- يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا وَ لَمْ يَذْكُرِ الْعَشْرَةَ إِلَّا بِمَعِ الْإِيلَاءِ الْأَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَ عَلِمَ أَنَّ غَايَةَ صَبْرِ الْمَرْأَةِ الْأَرْبَعَةَ أَشْهُرَ فِي تَرْكِ الْجَمَاعِ فَمَنْ تَمَّ أَوْجِبَهُ عَلَيْهَا وَ لَهَا^۱. (گلینی، ۱۴۰۷ق: ۶/۱۱۳)

در بررسی سند روایت باید بگوئیم؛ چند نفر در سلسله سند وجود دارند که اسامی آنها و وضعیت اعتبار آنها بدین قرار است:

۱. در این روایت از چرایی اختلاف عده طلاق که سه ماه و یا سه حیض است، با عده وفات که چهار ماه و ده روز می‌باشد، سؤال شده است. امام فرمودند: عده طلاق به جهت مشخص شدن وضعیت بارداری زن است، اما در مورد عده وفات خداوند حقی را برای زنان در نظر گرفته و به نفع آنان چیزی را قرار داده است و همین طور بر علیه آنان نیز. ایلاء را به نفع آنان مقرر کرده است و مردی حق ندارد بیش از چهار ماه از ادای حق زن امتناع ورزد و عده وفات را علیه آنان به مدت چهارماه و ده روز قرار داده است و این ده روز را به این جهت همراه چهار ماه قرار داده است که خداوند به غایت صبر زنان بر مسئله جنسی که چهارماه است، آگاهی دارد.





- «علی بن ابراهیم بن هاشم القمی» که با عنوان ثقه یاد شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰)

- «ابراهیم بن هاشم القمی» که توثیق شده است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۶؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۱۲)

- «الحسین بن سیف بن عمیره أبو عبد الله النخعی» که تنها در الرجال نجاشی و فهرست طوسی مطلبی در مورد وی وجود دارد، اما در این دو کتاب نیز به وثاقتش تصریح نشده است، بلکه تنها او را دارای کتاب دانسته‌اند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۵؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۱۴۲)

- «محمد بن سلیمان دیلمی» که شیخ طوسی وی را ضعیف و متهم به غلو دانسته است (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۴۳) و نجاشی نیز با وصف «ضعیف جداً لا یعول علیه فی شیء» او را معرفی کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶۵).

بنابراین با توجه به ضعف یکی از رجال سند، این روایت ضعیف و غیرقابل اعتماد است. در بررسی دلالت روایت هم باید گفت در این روایت دلیل فرصت چهار ماهه برای شوهر را صبر زنان نسبت به شوهران‌شان دانسته‌اند که در مسائل جنسی ظهور دارد. به بیان دیگر، رابطه بحث ایلا و حق استمتاع به صورت قیاس منصوص العلة بیان شده است. پس در حالت غیرایلاء نیز زنان می‌توانند چهار ماه صبر کنند و این مؤیدی بر حکم وجوب نزدیکی پس از چهار ماه است.

۵-۱۰. بررسی ادبی آیه

در بررسی ادبی (نحوی) عبارات آیه ایلاء دو بیان وجود دارد:

۱. عبارت «مِنْ نِسَائِهِمْ» متعلق به «يُؤْلُونَ» است که در آن تضمین به معنای استبعاد صورت گرفته است؛ در این صورت ترجمه عبارت این گونه خواهد بود: قسم می‌خورند در حالی که از زنان خود دوری می‌کنند؛ مانند آیه ظهار^۱ که «مِنْ نِسَائِهِمْ» متعلق به

۱. «الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُم مَّا هُنَّ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ» (مجادله: ۲)

«یتظاهرون» است.

۲. احتمال دیگر این است که عبارت «مِنْ نِسَائِهِمْ» به ما بعدش یعنی «تَرْبُصُ» متعلق باشد؛ به این معنا که انتظار کشیدن از جانب زنان ایشان به مدت چهار ماه است، چنانکه گویند: **لی منك نصرة و معونة.**

تفاوت این دو تعبیر در این است که در حالت اول از طرف شارع به مرد مهلتی داده شده است که مجوزی برای عدم ارتباط مرد با همسر خود است. در حالت دوم، انتظار به زن تعلق می‌گیرد و ایلاء حالتی شبیه به عده و یا مواردی همچون غیبت و اختلالات جنسی شوهر می‌باید که باید زمان مشخصی را برای استیفای حق جنسی خود (برخلاف معمول) صبر کند.

به گونه دیگری نیز می‌توان به بیان این نکته پرداخت: آیا شارع با مقرر کردن مهلت چهارماهه، درصدد اعطای امتیاز به مردان است و یا در صد ایجاد محدودیت برای ایشان است و چهار ماه در واقع مهلتی برای مرد قسم‌خورده است؟

مطالب تفسیری که بیان آن گذشت و هم‌چنین روایات^۱، مؤید احتمال دوم هستند. پس مهلت چهارماهه، امتیازی برای مرد نیست، بلکه فرصتی برای تأمل است و مطلوب شارع، بازگشت و رجوع هرچه سریع‌تر مرد است. با توجه به نکته ادبی موجود در ذیل آیه، این مطلب وجاهت بیشتری می‌یابد: «لام» در عبارت «لِلذَّيْنِ» به معنای «علی» است؛ یعنی بر کسانی که زن‌های خود را ایلاء می‌کنند. به کار بردن «لام» به معنی «علی» در جایی که قرینه باشد، مانعی ندارد، پس «تَرْبُصُ» در عبارت «تَرْبُصُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ» به معنای مهلت به مردان است تا بیندیشد و رجوع یا طلاق را اختیار کند. (طیب، ۱۳۷۸: ۲/ ۴۵۲)

۶. سیر تطور اشاره به حق جنسی زن با استناد به آیه از قرن دوم تا عصر حاضر با توجه به تحقیق و مطالعه‌ای که در تعداد زیادی از تفاسیر انجام شد، سیر تطور پرداختن مفسران به حق جنسی زوجه را چنین می‌توان تبیین نمود:

۱. در تفسیر البرهان در ذیل روایتی، عده وفات و ایلاء در مقابل هم قرار داده شده‌اند؛ به این معنا که عده وفات به نوعی ضرر به زن است، در حالی که ایلاء به نفع زن می‌باشد (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۱/ ۴۶۸)





در برخی از تفاسیر قرن دوم تا چهارم به مسئله ایلاء و برخورد قضایی حاکم شرع و مجازات مرد ایلاء‌کننده بعد از چهار ماه به جهت تعیین تکلیف زن، اشاره شده است. اما نتیجه‌ای در ذیل آیه، به محدود کردن حق جنسی زن به هر چهار ماه یکبار منوط نشده است (طبری، ۱۴۱۲ق: ۲/۲۴۹؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق: ۲/۱۵۰). استناد به روایت خلیفه دوم در تعیین زمان چهار ماه از قرن هفتم به بعد دیده می‌شود. (قرطبی، ۱۳۶۴ق: ۳/۱۰۸؛ ابن‌کثیر: ۱/۴۵۴؛ ابن‌عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ق: ۲/۴۴۹؛ ثلایی، ۱۴۲۳ق: ۱/۵۲۳؛ ابوزهره، بی‌تا: ۲/۷۵۰؛ شحاته، ۱۴۲۱ق: ۱/۳۶۲؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱/۵۰۴؛ حوی، ۱۴۲۴ق: ۱/۵۳۳) ابن‌عاشور ذیل آیه، عدم دسترسی خویش به روایت یادشده را اعلام می‌کند. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ۲/۳۶۷) از قرن هشتم به بعد این مطلب در تفاسیر آمده است که بیشترین مقداری که زن می‌تواند صبرکند، چهار ماه است، پس تربص و عده، چهار ماه قرار داده شده است (بقاعی، ۱۴۲۷ق: ۱/۴۲۶؛ ابوزهره، بی‌تا: ۲/۷۵۰؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱/۵۰۴). در تفسیر دیگری هم اشاره شده است که چهار ماه بیشترین زمانی است که زن عقیقه تحمل دوری از شوهرش را دارد (حجازی، ۱۴۱۳ق: ۱/۱۴۲)، البته برخی هم به این برداشت‌ها تردید دارند و علت اختصاص ایلاء به چهار ماه را در علم خداوند منحصر می‌دانند که باید نسبت به آن مطیع بود (شحاته، ۱۴۲۱ق: ۱/۳۶۲؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱/۵۰۴).

در تعدادی از تفاسیر، نهایت مدت تعیین شده برای ترک رابطه جنسی با زن، چهار ماه دانسته شده است. (صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶ق: ۱/۳۶؛ شعراوی، ۱۹۹۱م: ۲/۹۷۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۱/۳۹۵)

در تفسیر الکاشف که تألیف به محمدجواد مغنیه و مربوط به قرن چهاردهم است، این جمله دیده می‌شود که حق مواقعه زن هر چهار ماه یکبار است (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۱، ص ۳۳۹). در تفسیر تیسیرالکریم الرحمن نیز چنین آمده است که از آیه استفاده می‌شود که هر چهار ماه یکبار نزدیکی واجب است (سعدی، ۱۴۰۸ق: ۱/۱۱۱). برخی نیز با استناد به این آیه، وجوب نزدیکی را هر چهار ماه یکبار دانسته‌اند. (فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۲/۲۹۳) در تفسیر کوثر هم حق جنسی زن به چهار ماه تصریح شده است: «بدون قسم هم مردی

می‌تواند چهار ماه با زن خود همبستر نشود» (جعفری، ۱۳۷۶: ۵۳۲/۱) علامه طباطبایی نیز می‌نویسد: «به نظر می‌رسد مدت چهار ماه به خاطر مدت تعیین شده برای مباشرت شرعی واجب برای زن می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۲۶/۲)

توجه به معیار نیاز جنسی برای تعیین حق جنسی و همچنین متغیر بودن نیاز و طبع در افراد مختلف که در همین قرن به چشم می‌خورد در واقع نگاه واقع‌بینانه به مسئله نیاز جنسی است. (قطب، ۱۴۳۵: ۱/۲۴۴؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۱/۵۰۴؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۳/۳۹۹) در تفسیر نمونه هم به این حکم چهار ماه اشاره شده است، اما با تبصره‌ای که آن را تنها در مورد زنان جوان جاری می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲/۱۵۱). در تفسیر قرآن مهر نیز آمده است که آمیزش جنسی به عنوان واجب شرعی و حق زن هر چهار ماه یکبار واجب است، البته در صورتی که زنان به ویژه همسران جوان به گناه نیفتند وگرنه این زمان باید کمتر شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲/۲۰۵). این موارد در حقیقت نمونه‌هایی از تردید در فتوای مشهور است. در این دو تفسیر اخیر، معیار از چهار ماه به معیار نیاز تغییر کرده است. با این وصف، پرسشی مطرح می‌شود: فقها آیه ایلاء را مستند چهار ماه قرار داده‌اند، پس چگونه می‌شود معیار از آیه به نیاز تغییر کند؟ آیا مفسران متأثر از فقه‌های عصر خود چنین نظری داده‌اند و یا با دقتی عرفی، نگاهی واقع‌بینانه و یا متأثر از فیزیولوژی بدن زن، این فتوا را با وضعیت و نیاز متناسب جنسی زنان ندانسته‌اند؟

صادقی تهرانی هم می‌نویسد: «این چهار ماه برای زن نوعی است و ممکن است کمتر یا بیشتر شود و باید با حفظ این زمان، کرامت زن حفظ گردد تا به مرد دیگری غیر از شوهر خود متمایل نشود. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۷/۴)

علامه فضل‌الله آشکارا به بُعد فقهی مسئله توجه کرده و با توجه به مدلول چهار ماه (روایت خلیفه دوم) - که بسیاری از مفسرین (اغلب عامه) آن را پذیرفته‌اند - مستندات فقهاء شیعه (آیه ایلاء و روایت صفوان بن یحیی از امام رضا علیه السلام) بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد بر اساس این آیه و حد نیاز یک زن در غرایز جنسی، نوع و حدّ نیاز زن نوعی را نمی‌توان تعیین کرد؛ زیرا زنان در این مسئله مختلف هستند، همچنان که مردان مختلفند. (پس معیار بر اساس زمان) صحیح نیست به ویژه وقتی روایاتی را ملاحظه می‌کنیم که مقدار نیاز جنسی





زن را چند برابر معرفی می‌کند.^۱ به بیان دیگر، چهار ماه یادشده در صورتی است که زن بر اثر طول مدت به گناه نیفتد و از این رو در مورد زنان جوان که بیم گرفتاری در گناه باشد، لازم است این فاصله کمتر شود.

علامه فضل‌الله در نتیجه‌گیری اعلام می‌کند که این مدت چهارماه حداکثر زمانی است که مرد در مواردی همچون ایلاء، مصیبت و یا مسافرت می‌تواند از رابطه جنسی دوری کند و ناظر به شرایط عادی نیست. وجود حق قَسَم (همخواهی و بیتوته هر چهار شب یک‌بار مرد در خانه همسر)، نشان‌دهنده تأکید بر ایجاد فضای مناسب برای پاسخ‌گویی به نیازهای زناشویی در فاصله چهارشب به صورت مستمر است. در نهایت ایشان به لزوم تطبیق عناوین قرآنی مرتبط با زندگی زناشویی بر احکام شرعی توجه می‌دهند و فلسفه موجود در ازدواج را که حفظ از انحراف جنسی به واسطه همسر است با حدودی که فقها برای حق جنسی زن تعیین کرده‌اند، مغایر می‌دانند. براین اساس، ایشان حکم شرعی حق جنسی زن را که به چهار ماه مقید شده است با توجه به ادله نفی ضرر و حرج، نیازمند بازخوانی می‌دانند. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۲۷۷/۴)

۷. اشاره‌ای به سیر فقهی حکم شرعی حقوق جنسی زن

برخی از پژوهشگران معاصر به بررسی ادله فقهی حق جنسی زن از جمله اجماع و شهرت مسئله پرداخته‌اند و اجماع ادعا شده در این مسئله را پذیرفتنی ندانسته‌اند که به جهت رویکرد تفسیری نوشتار، از بررسی تفصیلی آن معذوریم.^۲

هر چند در تحقیق فقهی مسئله، شاهد تصریح بسیاری از فقها به حکم وجوب نزدیکی در هر چهار ماه هستیم، اما نکته قابل توجه، زمان صادر شدن این احکام است. فتوای

۱. «خَلَقَ اللَّهُ الشَّهْوَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءَ فَجَعَلَ تِسْعَةَ أَجْزَاءٍ فِي النِّسَاءِ وَ جُزْءًا وَاحِدًا فِي الرِّجَالِ. إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ فَإِذَا هَاجَتْ كَانَتْ لَهَا قُوَّةُ شَهْوَةِ عَشْرَةِ رِجَالٍ» (کلینی، اصول کافی ۳۳۸/۵:)

۲. ر.ک مقاله «چالش‌های فقهی محدود بودن حق استمتاع زن در چهار ماه»، محمدعلی قادری، نادر مختاری فراکتی، محمدرضا کیخا- (مجله فقه و اصول، سال پنجاه و دوم، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۲۳، زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۲۵-۱۴۲) بنا بر ادعای نویسندگان مقاله، برخی از فقها به اجماع در این مسئله اشاره کرده‌اند، اما این اجماع با الفاظ مختلفی بیان شده است و اجماع در این مسئله به دلیل عدم اتصال به معصوم و فقدان فتوا در دوره پیش از شیخ طوسی، محقق نشده است. ثانیاً این اجماع، مدرکی بوده و فاقد حجیت است.



یادشده قبل از شیخ طوسی (قرن پنجم) در النهایه (۱۴۱۲: ۴۸۲)، در کلام هیچ یک از فقها نیامده است و به طور کلی این موضوع مطرح نشده است.^۱ که در سیر تفسیری نیز شاهد هستیم که در قرون اولیه چنین حکمی و همچنین استناد به آیه ایلاء در راستای این حکم وجود ندارد. از قرن هفتم به بعد در آثار فقهی شاهد بیان این حکم فقهی هستیم.^۲ (مختاری افرکتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۸)

با بررسی انجام شده می توان نتیجه گرفت هرچند حکم فقهی مشهور در حق جنسی زن وجود دارد، اما تعداد قابل توجهی از مفسران و فقیهان در مقابل قول مشهور نسبت به تعیین زمان برای حق استمتاع زن سکوت کرده اند و به وجوب بهره مندی از رابطه جنسی در هر چهار ماه تصریح نکرده اند. گروهی از اندیشمندان اسلامی هم با استناد به قواعد فقهی همچون «خوف از گناه و دفع منکر» و «خوف ضرر یا وجود عسر و حرج» و توجه به ضروریات عرفی و داشتن نگاه واقع بینانه، با تعیین محدودیت زمانی مخالفت کرده اند و شوهر را ملزم به اجابت نیاز جنسی زن می دانند. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق: ۸۱/۲؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق: ۵/۱۴۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۹: ۳۹۹)

۸. وجود مؤیدات قرآنی، روایی، عقلی و عرفی در اثبات حق جنسی برای زن در کمتر از ۴ ماه

برای لزوم توجه به نیاز جنسی زن در کمتر از چهار ماه می توان ادله متعدد قرآنی، روایی و فقهی مطرح کرد که پرداختن به آنها از این بحث خارج است. اما به اجمال می توان به اصل مماثلت در حق و تکلیف: «...وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَّهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» (بقره: ۲۲۸)، دستور معاشرت به معروف: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۹) از ادله قرآنی و روایات متعدد مرتبط با عبارت «لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودُهُ بِوَلَدِهِ» (بقره: ۲۳۳) اشاره کرد که همسران را از اینکه به بهانه وجود فرزند شیرخوار یا بارداری زن، پاسخ گوی میل جنسی یکدیگر نباشند،

۱. شبیری زنجانی، درس خارج، ۱۳۷۸/۸/۲۳.

۲. در آثار فقهایی مانند محقق حلی (۱۴۰۸: ۱۷۲/۱)، علامه حلی (۱۴۱۰: ۵/۲)، شهید اول (۱۴۱۰: ۱۷۴)، محقق کرکی (۱۴۱۴: ۵۰۶/۱۲)، شهید ثانی (۱۴۱۳: ۶۶/۷)، حرعالمی (۱۴۰۹ق: ۳۲۸/۲)، بحرانی (۱۴۰۵: ۸۹/۲۳)، صاحب جواهر (۱۴۰۴: ۱۱۵/۲۹)، انصاری (۱۴۱۵: ۷۵)، طباطبایی یزدی (۱۴۱۹ق: ۵/۵۰۶)، خویی (۱۴۱۸ق: ۱۱/۳۲) و دیگران این فتوا وجود دارد که همگی از قرن هفتم تا عصر حاضر هستند.



نهی کرده‌اند و تعبیر «وارد کردن ضرر و زیان» را به‌کار برده‌اند. (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴۸۴/۱؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۲۲۷/۱). آیه یادشده و روایات مؤید آن به نحوی تعبیری از قاعده «لا ضرر» هستند.

گذشته از ادله قرآنی و روایی، قواعد فقهی متعددی مانند قاعده نفی ضرر (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق: ۱۰/۵)، قاعده نفی حرج (بستان، ۱۳۸۳: ۲۹؛ عاملی، ۱۴۱۳ق: ۳۸۳/۵) و قاعده دفع و نهی از منکر (امامی راد و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۸؛ حاجی ده‌آبادی و اکرمی، ۱۳۹۶: ۹۹) نیز در تأیید این دیدگاه وجود دارد.^۱

آرا و نظراتی در میان فقهاء در تأیید لزوم توجه به نیاز زن در کمتر از چهارماه وجود دارد که قابل توجه است. فقهایی همچون آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبایی یزدی (۱۴۱۹: ۸۱۰/۲)، آیت‌الله مرعشی نجفی (۱۴۰۶ق: ۲۰۸/۲)، آیت‌الله خویی (بی‌تا: ۱۲۲/۳۲)، آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۴۲۹ق: ۳۹۹)، آیت‌الله صافی گلپایگانی (بخش استفتانات، شماره اتوماتیک: ۵۷۲۹۳، شماره دفتری ۳/۸۹/۲۴۴، کد ۱)، آیت‌الله شبیری زنجانی (۱۴۱۹ق: ۱۴۸۳/۵). فتوای یادشده را با قیودی همچون جوانی، گرم‌مزاجی، عدم قدرت بر صبر و توجه به ضرر شخصی مقید کرده و برقراری رابطه در کمتر از چهارماه را (به احتیاط واجب) لازم دانسته‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی تفسیری انجام‌شده ذیل آیه ایلاء و مؤلفه‌های به دست آمده و مؤثر در ارتباط آیه با حق جنسی بانوان، می‌توان گفت که براساس متون تفسیری بررسی شده (بالغ بر ۲۰۰ تفسیر)، ایلاء، حکمی امضایی و حقیقت شرعیه است که بر ترک رابطه جنسی همراه با غضب و به قصد اضرار به زن انجام شده است و مقرر کردن چهارماه در واقع مهلتی برای بازاندیشی مرد در مورد ادامه و یا به اتمام رساندن زناشویی بوده است. با این حال، عبارات مورد استفاده در آیه از عدم مطلوبیت ترک رابطه جنسی توسط مرد نزد شارع دارد. با این

۱. برای آگاهی از تفصیل ادله این دیدگاه می‌توان به مقاله «ارائه راه حلی برای تبیین حقوق جنسی بانوان بر اساس رویکردهای حقوقی و اخلاقی، مریم قوجایی خامنه و محمدرضا سالاری‌فر، دو فصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، دوره ۲۸، شماره ۷۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ مراجعه نمود.



توضیح، پرسشی اساسی به ذهن می‌رسد که حال که اصل این فعل مورد رضایت شارع نیست و این چهار ماه به جهت حرمت قسم، معتبر دانسته شده است و رجوع در کوتاه‌ترین زمان ممکن، مطلوب شارع است، چرا باید این چهار ماه و این آیه مستند حق جنسی زن در بُعد زمان مقرر گردد؟

به قرینه آیات قبل هم که در مورد قسم لغو سخن می‌گوید، می‌توان ادعا کرد ایلاء به جهت انعقاد قسم از طرف شوهر و رعایت حرمت قسم، مجوزی برای دوری از همسر به مدت چهار ماه است؛ مانند موارد دیگری که شارع برای زمان‌های خاص دیگری همچون مصیبت، سفر، غیبت شوهر، وجود اختلالات جنسی و یا زمان عده، تعیین نموده است و در شرایط عادی نمی‌توان پاسخ‌گویی به نیاز جنسی زن را به هر چهار ماه محدود کرد.

معیار وجوب نزدیکی با زن را می‌توان از زمان (هر چهار ماه یکبار) به نیاز تغییر داد؛ به این معنا که نیاز جنسی است که وجوب را تعیین می‌کند. با توجه به قانون حق قسم برای زنان، به نظر می‌رسد که تأکید شارع بر ایجاد فضایی مناسب در دوره‌های حداکثر چهار روز یک بار است تا زمینه وجود لذت همیشگی برای همسران فراهم باشد؛ زیرا فلسفه ازدواج برای زوجین، نگهداری نفس و عفت جنسی است و مرد نمی‌تواند خود را نسبت به خواسته همسرش، غیرمسئول و مبرا بداند؛ چنان که در این موارد، برخی از فقها نیز با قیودی، مبادرت به آمیزش قبل از چهار ماه را لازم دانسته‌اند. نهایت کلام این که با توجه به تفاوت‌های موجود میان انسان‌ها (مرد و زن)، در مورد غریزه جنسی نمی‌توان آن را با یک حکم شرعی به زمانی خاص محدود دانست و به رفع نیاز، نگاه تعبدی محض داشت.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم؛ ترجمه مکارم شیرازی.
۲. ابن ابی حاتم عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، چاپ سوم، عربستان: مكتبة نزار مصطفى الباز.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، بی نا، بی جا.
۴. ابن براج، عبدالعزیز بن تحریر (۱۴۰۶ق)، المذهب، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم..
۵. ابن جزى غرناطی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: شرکت دار الارقم بن ابی الارقم.
۶. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق)، التحریر و التنویر، بی جا، بی نا.
۷. ابن عجبیه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق)، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: دکتر حسن عباس زکی.
۸. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۱۰. ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۴۰۹ق)، المنتخب من تفسیر القرآن و النکت المستخرجة من کتاب التبیان، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۱۱. ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ق)، احکام القرآن (ابن عربی)، بیروت: دار الجیل.
۱۲. ابن عرفه، محمد بن محمد (۲۰۰۸م)، تفسیر ابن عرفه، بیروت: دارالکتب العلمیه،

منشورات محمدعلی بیضون.

۱۳. ابن هائم، احمد بن محمد (۱۴۲۳ق)، التبیان فی تفسیر غریب القرآن، محقق محمد، ضاحی عبدالباقی دارالغرب الاسلامی.

۱۴. ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.

۱۵. ابوزهره، محمد (بی تا)، زهرة التفاسیر، بیروت: دار الفکر.

۱۶. امامی راد و همکاران (۱۳۹۸ش)، «قواعد عمومی جاری در سیاحت تربیتی جنسی در فقه تربیتی»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات فقه تربیتی، شماره ۱۲.

۱۷. امین، سیده نصرت (۱۳۶۱)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.

۱۸. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲ق)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر.

۱۹. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۰۵ق)، کتاب النکاح، قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

۲۰. آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر (۱۴۰۸ق)، تیسیر الکریم الرحمن، چاپ دوم، بیروت: مکتبة النهضة العربیه.

۲۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: واحد تحقیقات اسلامی.

۲۳. بحرانی، یوسف بن احمد ابراهیم (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، محقق/مصحح ایروانی، محمدتقی، مقرر، سید عبدالرزاق، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.





۲۴. بستان، (نجفی)، حسین (۱۳۸۳)، اسلام و جامعه شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۵. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۶. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق)، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، دار الکتب العلمیة، چاپ سوم، بیروت: منشورات محمد علی بیضون.
۲۷. بلاغی، سید عبد الحجت (۱۳۸۶ق)، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم: انتشارات حکمت.
۲۸. بلاغی، محمدجواد (بی تا)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: وجدانی.
۲۹. توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۹ش)، «لزوم جرم انگاری نشوز زوج»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۸.
۳۰. توسلی، حسین (۱۳۷۷ش)، ۱۳۷۷، «تحلیل حق»، مجله حقوق اسلامی، شماره ۷.
۳۱. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. ثلاثی، یوسف بن احمد (۱۴۲۳ق)، تفسیر الثمرات الیانه و الاحکام الواضحه القاطعه، بیروت: مکتبة التراث الإسلامی.
۳۳. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (ق ۱۴۳۰)، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، دار الفکر، اردن- عمان.
۳۴. جزایری، نعمت الله بن عبدالله (ش ۱۳۸۸)، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، نور وحی، قم.
۳۵. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق)، احکام القرآن (جصاص)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، قم: مؤسسه انتشارات هجرت.



۳۷. حائری تهرانی، میر سید علی (۱۳۷۷ش)، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، دار الكتب الاسلامیه، تهران.
۳۸. حاجی ده آبادی، محمدعلی، اکرمی، روح الله (۱۳۹۶ش)، «کاربست قاعده دفع منکر در قلمرو خانواده با کاوشی در دلالت آیه وقایه» فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره ۷، پاییز و زمستان.
۳۹. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق)، التفسیر الواضح، دار الجیل الجديد، بیروت، چاپ دهم.
۴۰. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، مصحح القائینی، محمدبن محمد الحسین، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا۷.
۴۱. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۸ق)، الفصول مهمه فی اصول الائمه- تكملة الوسائل، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا۷.
۴۲. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح (۱۴۰۴ق)، آیات الأحکام (جرجانی)، تهران: انتشارات نوید.
۴۳. حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، بی تا، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
۴۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰)، ارشاد الازهان الی احکام الایمان، قم: انتشارات اسلامی.
۴۵. حوی، سعید (۱۴۲۴ق)، الاساس فی التفسیر، چاپ ششم، قاهره: دار السلام.
۴۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، اسماعیلیان، چاپ چهارم، قم: بی نا.
۴۷. خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۲۵ق)، تفسیر الخطیب الشربینی المسمی السراج المنیر، بیروت: دار الكتب العلمیة منشورات محمدعلی بیضون، لبنان.
۴۸. خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق)، ، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دار الفكر العربی.
۴۹. خفاجی، احمد بن محمد (۱۴۱۷ق)، حاشیة الشهاب المسماة عناية القاضي و كفاية



- الراضی علی تفسیر البیضاوی، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان.
۵۰. خوئی، ابوالقاسم (بی تا)، موسوعه الامام خوئی، قم: مؤسسه احیاء آثار آیت الله خوئی (ره).
۵۱. دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳ق)، التفسیر الحديث ترتيب السور حسب النزول، قاهره: دار إحياء الكتب العربية.
۵۲. دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ق)، تفسیر ابن وهب المسمى الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۵۳. رازی، حسین بن علی ابوالفتوح (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵۴. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام، قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
۵۵. رضا، محمدرشید (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهير بتفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفة، لبنان.
۵۶. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷ش)، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
۵۷. زحیلی، وهبه (۱۴۲۲ق)، التفسیر الوسيط (زحیلی)، دار الفكر، سوریه - دمشق، چاپ اول.
۵۸. سایت مدرسه فقاها www.eshia.ir درس خارج فقه آیت الله شبیری زنجانی، ۱۳۷۸/۷/۲۳.
۵۹. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۰۶ق)، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، اول.
۶۰. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹ق)، ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن،

دار التعارف للمطبوعات، بيروت، اول.

٦١. سعدی، عبدالرحمن (١٤٠٨ق)، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، مکتبه النهضة العربية، لبنان- بیروت.

٦٢. سیواسی، احمد بن محمود (١٤٢٧ق)، عیون التفاسیر، دار صادر، لبنان- بیروت.

٦٣. سیوطی، جلال الدین (١٤٠٤ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.

٦٤. شاذلی، سیدبن قطب بن ابراهیم (١٤٢٥ق)، فی ظلال القرآن، دار الشروق، لبنان- بیروت.

٦٥. شبیری زنجانی، موسی (١٤١٩ق)، کتاب نکاح، قم مؤسساً پژوهشی رای پرداز.

٦٦. شحاته، عبدالله محمود (١٤٢١ق)، تفسیر القرآن الکریم (عبد الله شحاته)، قاهره: دار غریب.

٦٧. شریف لاهیجی، محمد بن علی (١٣٧٣ش)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد.

٦٨. شعراوی، محمد متولی (١٩٩١م)، تفسیر الشعراوی، اخبار الیوم، بیروت: اداره الکتب و المکتبات.

٦٩. شیخزاده، محمد بن مصطفی (١٤١٩ق)، حاشیه محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

٧٠. صاحب جواهر، محمد بن حسن بن باقر (١٤٠٤ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار احیا التراث العربی.

٧١. صادقی تهرانی، محم (١٤٠٦ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، چاپ دوم، قم: فرهنگ اسلامی.

٧٢. صنعانی، عبدالرزاق بن همام (١٤١١ق)، تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق، لبنان: دارالمعرفه.





۷۳. طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۷۴. طباطبایی یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۴۲۲ق)، العروة الوثقی (المحشى)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمة تفسیر المیزان، ترجمة محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۷۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۷۷. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، تفسیر القرآن العظیم، اردن: دار الكتاب الثقافی.
۷۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۷۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش)، تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۸۰. طبری کیا هراسی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۰۵ق)، احکام القرآن، چاپ دوم، بیروت: دارلکتب العلمیه.
۸۱. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیرون: دار المعرفه، بیروت.
۸۲. طنطاوی محمد سید (۱۹۹۷م)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: بی نا.
۸۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم تهران: تحقیق خراسان.
۸۴. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۸۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳)، رجال الطوسی، چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۸۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، بیروت: دارالکتاب العربی.
۸۷. طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
۸۸. عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۳)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دار القرآن الکریم.
۸۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۹۰. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳ش)، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران: مرتضوی.
۹۱. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹۲. فضل الله سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، چاپ دوم، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
۹۳. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الصدر.
۹۴. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۵ش)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.
۹۵. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۹۶. قطب الدین کیدری، محمد بن حسین (۱۴۱۶ق)، اصباح الشیعه بمصباح الشریعه،



قم: مؤسسه امام صادق ۷.

۹۷. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

۹۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش)، چاپ چهارم، قم: تفسیر قمی، دارالکتاب.

۹۹. قوجائی خامنه، مریم؛ سالاری فر، محمدرضا (۱۴۰۲ش)، «ارائه راه‌حلی برای تبیین حقوقی و اخلاقی»، دو فصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، دوره ۲۸، شماره ۷۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۱۰۰. کاظمی خراسانی، محمدعلی (۱۴۱۷ق)، فرائد الاصول، تقریر دروس محمدحسین غروی نائینی، تحقیق و تعلیق آقا ضیاء الدین عراقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۰۱. کلینی، محمد یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، قم: دارالحديث لطباعه و النشر.

۱۰۲. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، بی‌تا، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، قم تهران: کتابفروشی اسلامیة.

۱۰۳. کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۰ق)، تفسیر المعین، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

۱۰۴. کاظمی، جواد بن سعید (۱۳۶۵ش)، مسالك الأفهام الى آیات الأحكام، تهران: کتابفروشی مرتضوی.

۱۰۵. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق)، تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

۱۰۶. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق)، المختصر النافع فی فقه الامامیه، چاپ ششم، قم: مؤسسه مطبوعات الدینة.

۱۰۷. محقق حلی، نجم الدین ابوقاسم جعفر بن حسن بن یحیی (۱۴۰۸ق)، الشرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۱۰۸. محمد رشید، رضا (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت:

دار المعرفة.

۱۰۹. محمدرشید، رضا (۱۴۱۴)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت:

دارالمعرفة.

۱۱۰. مختاری فراکتی، نادر و همکاران (۱۳۹۹ش)، «چالش‌های فقهی محدود بودن حق

استمتاع زن در چهار ماه»، مجله فقه و اصول، سال پنجاه و دوم، شماره ۴، شماره

پیاپی ۱۲۳.

۱۱۱. مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.

۱۱۲. مراغی احمد بن مصطفی (بی‌تا)، تفسیر المراغی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۱۳. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۰۶ق)، منهاج المومنین، گردآورنده سید عادل

علوی، قم انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.

۱۱۴. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، ۱۴۲۴ هـ. ق، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتاب

الإسلامی.

۱۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب

الإسلامیة.

۱۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق)، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه

امام علی بن ابی طالب.

۱۱۷. موسوی خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۶ق)، معتمدالعروه الوثقی، چاپ دوم، قم:

مدرسه دارالعلم - لطفی.

۱۱۸. موسوی سبزواری سیدعبدالاعلی (۱۴۰۹ق)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن،

موسسه اهل بیت (ع)، بیروت، چاپ دوم.

۱۱۹. نجاشی، احمدبن علی (۱۳۶۵)، رجال النجاشی، چاپ ششم، قم: مؤسسة النشر

الاسلامی.

۱۲۰. نجفی، محمدحسن (بی‌تا)، بی‌تا، جواهر الکلام، محقق محمود القوجایی، چاپ



هفتم، بیروت: دار احیا التراث العربی

۱۲۱. نیشابوری نظام‌الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب

الفرقان، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۱۲۲. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۹ق)، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز (واحدی)،

بیروت: دار القلم.

۱۲۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت،

مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، قم.

